

کره شمالی: دیگر با کره جنوبی حرفی نداریم

ار تاش کره جنوبی، بامداد روز جمعه در بیانیه‌ای اعلام کرد کره شمالی اقدام به شلیک دو پرتابه نامشخص جدید به سمت دریای ساحل شرقی یورد کرده است. به گزارش ایلنا به نقل از رویترز، کره شمالی به رغم دیداری که روز ۳۰ ژوئن میان «کیم جونگ‌اون» رهبر این کشور و رئیس‌جمهوری آمریکا برگزار شد، طی یک ماه اخیر اقدام به انجام شش آزمایش موشکی کرده است. شش روز پیش هم کره شمالی دو موشک بالستیک کاتابرد را به دریای ژاپن شلیک کرد. از سوی دیگر، کمیته اتحاد کره شمالی بیانیه‌ای منتشر کرده که به نظر می‌رسد در پاسخ به «هون جانگ‌این» رئیس‌جمهوری کره جنوبی باشد. کره شمالی در بیانیه هر گونه گفت‌وگوهای صلح با کره جنوبی را رد کرده و گفته است که دیگر حرفی برای گفتن ندارند. به نظر می‌رسد آنچه که کره شمالی را عصبانی کرده، سخنرانی رئیس‌جمهوری کره جنوبی است که در آن گفته تا سال ۲۰۴۵ دو کره متحد خواهند شد. این سخنرانی در سالگرد استقلال کره از ژاپن ایراد شده بود. بعد از جنگ جهانی دوم کره به دو کشور

سفر ظریف به کویت

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان شنبه ۲۶ مردادماه به کویت سفر می‌کند. به گزارش ایسنا، روزنامه «القبس» کویت در مطلبی در این ارتباط به نقل از منابع آگاه نوشت: وزیر امور خارجه ایران روز شنبه برای سفر یک روزه به کویت سفر می‌کند. ظریف در این سفر با تعدادی از مقامات این کشور حوزه خلیج فارس از جمله همتای کویتی خود دیدار و رایزنی خواهد کرد.

خبر کوتاه**می‌شد پهباد آمریکایی را با اس ۳۰۰ هم زد اما موشکی که پهباد را زد بومی بود**

حجت‌الاسلام کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران در خطبه اول نماز جمعه این هفته تهران گفت: سسی و یک مرداد سالروز صنعت دفاعی است که از معجزات انقلاب و ولی فقیه است که شاهد آن هستیم و دنیا تحت تاثیر آن است. ما در بخش‌های مختلف دفاعی حرکت جهشی به سوی قله داریم و مسیرهای طولانی را یک شبه طی کرده‌ایم. به گزارش ایلنا، نایب رئیس شورای مدیریت حوزه علمیه تهران با اشاره به ساقط شدن پهباد آمریکایی تصریح کرد: این را می‌شد با اس ۳۰۰ روسی هم زد اما این موشک که این پهباد را زد موشک بومی بود. تحلیل گری می‌گوید این که موشک ایران پهباد آمریکایی را زد نقطه عطفی است که تمدنی، تمدن دیگر را تحت الشعاع قرار داد و این نشانه افول تمدن استکباری است.

**حتی پاکترین مستولان هم از زبان درازی بیزار هستند**

رئیس هیات موسس حزب جمهوری‌ت ایران اسلامی گفت: با وجود گذشت ۴۰ سال از انقلاب و سابقه کار حزبی در کشور، هنوز حزب به معنای واقعی نداریم و نتوانسته‌ایم حزب را به‌درستی معرفی کنیم. حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا در نشست حزب جمهوری‌ت ایران اسلامی اظهار داشت: هنوز نتوانسته ایم تحزب را برای جامعه تبیین کنیم و نتیجه این می‌شود که نگاه مردم به حزب، سناذ انتخاباتی است که در زمان انتخابات فعال می‌شود و در خوشبینانه ترین حالت، مردم به احزاب بی تفاوت هستند. وی خاطرنشان کرد: حتی برخی افراد افتخار می‌کنند که عضو هیچ حزبی نیستند و نتیجه این نگاه، این است که بعد از ۴۰ سال، احزاب ما این وضعیت را دارند اما باید دید که چرا بعد از این مدت، احزاب به چنین وضعیتی دچارند؟ به گزارش ایرنا، وی گفت: بخشی از این مشکل، مربوط به مسئولان و حکومت است و البته هر مسئولی، حتی پاکترین آنان از زبان درازی و اینکه گفته شود چرا این کار انجام شده و یا نشده، و از نظرات و نقد کردن بیزارند، طبیعت هر مسئولی این است که از نظرات و نقد بیزار باشد و با این طبیعت، احزاب مانع دارند.

**به زودی پرده‌ای دیگر از یک فساد در «مافیای خودرو» را اعلام می‌کنم**

سختگوی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی از افشاری خود در خصوص مافیای خودرو در آینده نزدیک خبر داد. به گزارش ایلنا، بهرام پارسایی در صفحه شخصی توئیتر خود نوشت: فساد خودروسازی جدید نیست. در دهه ۷۰ که بزرگترین اختلاس تاریخ کشور ۱۲۳ میلیارد بود، برای طراحی سمنند، ۳۵۰۰ میلیارد تومان با ارز ۴۰۰ تومانی، معادل ۳۵۰۰ میلیارد تومان امروز، پرداخت شد و این طراحی گران نه جذب بود نه استاندارد. البته این مبلغی است که خودرو ساز اعلام کرده، اما اسنادی در دست است که نشان می‌دهد وام اخذ شده بابت طراحی خودروی ملی بیشتر از این مبلغ است و این در حالی است که یک طراح ایرانی‌زنده‌های معتبر خودرو در جهان، همان زمان حاضر بود. به رایگان، طراحی خودروی ملی را انجام دهد. اما چون برای سودجویان، منفعت نداشت، نپذیرفتند. زمان استاندارد طراحی یک خودرو چو جهان هم دو تا سه سال است ولی طراحی سمنند ۷ سال زمان برد. این مشت نمونه خروار بود و به زودی پرده‌ای دیگر از یک فساد بزرگتر در «مافیای خودرو» را اعلام می‌کنم.

**جریان اصلاحات نیاز مند اصلاح روش و بازنگری درونی است**

معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور درباره لزوم بازنگری درونی در اصلاحات گفت: هر جریان مؤثر سیاسی در درون خود نیازمند بازنگری مستمر است تا به روز و زنده مانده و منطبق با اقتضات و تحولات روز پاسخگوی نیازها باشد، در این راستا جریان اصلاحات هم مانند هر جریان سیاسی اگر بنا دارد برای مردم محلی از اعراب داشته باشد حتما نیازمند اصلاح روش و بازنگری درونی است. به گزارش خبرآنلاین، وی در توضیح مصادیقی که در جریان اصلاحات نیازمند تغییر است گفت: اصلاحات در حوزه‌هایی همچون اجماع‌سازی، هدف‌گذاری، الحائلاف‌سازی‌ها و به طور کلی هر زمینه‌ای که امروز در ارتباط با مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی می‌بینیم به صورت مستمر نیازمند ارزیابی و بازنگری کنیم تا بتواند موثر واقع شود.

در تحولات هزاره‌ی سوم اصطلاح بی‌معنایی است!

ما در سوره به هم می‌بینیم که مسائل به آسانی حل و فصل نمی‌شود زیرا در آن جا هم تشبیه آن چه در یمن در حال رخ دادن است، تعدد بازیگران باعث می‌شود تا نتوان به راه حل مشترکی دست پیدا کرد. جنگ هفت ساله در سوریه، جنگ یمن، جنگ‌های داخلی در افغانستان و این اواخر جنگ در لیبی هم شبیه به هم است و در همه جا می‌بینیم این بازیگران هستند که اجازه نمی‌دهند اختلافات حل شود و این یعنی جنگ یمن می‌تواند سالیان متداری ادامه پیدا کند و به هیچ نتیجه‌ای نیز منتهی نشود. محبعلی معتقد است خاورمیانه به وضعیت بغرنجی رسیده که نمی‌توان فهمید مسائل و مشکلات را با جنگ می‌توان حل کرد یا با مذاکره و این گونه بالاکلیفی‌ها عملاً کشورهای درگیر در مناقشات و با بازیگرانی که در عرصه حضور دارند نیز اندک اندک دچار یأس و اختلاف حتی با متحدان خود شوند.

از آقای محبعلی این سؤال را مطرح می‌کنیم که بر پایه ی همین گفت و گو می‌توان به این نتیجه رسید که مذاخلات بیرونی در اختلافات داخلی برخی کشورها از جمله یمن، به خودی خود تبعات منطقه‌ای ایجاد می‌کند، یعنی یک اختلاف حتی قبیله‌ای در یمن با مداخله ی عربستان و امارات باعث شده تا بخش‌های مهمی از خاورمیانه را در کابوس جنگ فرو ببرد یا مسائلی همچون لیبی، افغانستان و حتی سوریه؟! پاسخ به این سؤال شما مثبت و مشخص است. بسیاری از کشورهای منطقه ی خاورمیانه حتی توان مدیریت کشور تحت امر خود را ندارند در کنار این مسئله بازیگرانی خرد و کلان دولتی و حتی غیر دولتی و نیز برخی مواجهات منطقه‌ای و اختلافاتی که بیشتر شبیه رقابت است تا اختلاف مثل ایران و عربستان و یا ترکیه و عربستان و پاکستان و افغانستان؛ به خودی خود مسائل خاورمیانه را پیچیده، لاینحل و ویران کننده جلوه داده است.

از کشورهای حاضر در منطقه کهه بگذریم مجموعه ای از دخالت‌های بین‌المللی نیز پیش روی ما است، آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، روسیه و ... که همه بازی می‌گردند، به منافع اقتصادی که در این منطقه برای خود دست و پا کرده‌اند پس طبیعی است که هر آتش کوچکی با مداخلات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به آتشی ویرانگر و خاتماند سوز تبدیل شود به گونه‌ای که خاموش کردن آن از عهده ی بازیگران حاضر در صحنه نیز خارج باشد. بازیگران در یک جاهایی مجبور می‌شوند تا بازی یکدیگر را به هم بزنند پس بر پیچیدگی اوضاع می‌افزایند در کنار آن، عدم وجود «دولت - ملت» باعث می‌شود تا زمینه‌ای در مداخلات هر روز گسترده تر و عمیق تر شود و نبود دولت - ملت‌ها زمان دیگر فکر کنند مسئله‌ای که شاید خواست اولیه ی اماراتی‌ها نیز نبوده باشد.

در کنار این مسائل اما طولانی شدن جنگ، بی نتیجه بودن کشمکش‌ها، عدم تمایل جامعه جهانی از جمله آمریکا برای ورود عملی به عرصه جنگ یا یمن در شرایطی که شکست دادن حوثی‌ها تقریباً غیرممکن می‌نماید در کنار کم اهمیت جلوه دادن این موضوع باعث شد تا وکم عربستان به پشتیبانی بین عربستان و امارات وسعت گیرد.

سؤال بعدی نتیجه گیری از مباحث است. با تحلیل‌های ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که این تئوری که: «جنگ آسان» وجود ندارد! چندان هم دور از ذهن نیست؟! بلکه اما در نظر داشته باشید که یمن در موقعیت حساس و مهمی قرار دارد و نیز این که عملاً اختلافات موجود بین حوثی‌ها، زیدی‌ها و عربستان، ریشه در تاریخ دارد. ما اگر به تاریخ دوران عثمانی هم بازگردیم خواهیم دید زیدی‌ها هیچگاه حاضر نشدند زیر بار حکومت عثمانی بروند. نکته ی دیگری که محبعلی مدنظر قرار می‌دهد وجود بازیگران متعددی است که در صحنه حاضر هستند. این تحلیلگر مسائل بین‌المللی می‌گوید:

« اساساً از همان ابتدا، دخالت عربستان و امارات در موضوع داخلی یمن، آن هم کشوری که خود غرق در اختلافات سیاسی و قومی قبیله‌ای بود یک اشتباه محض بود اما به ظاهر گویا بین عربستان و امارات، توافقات و تقسیم کارهایی در پشت پرده صورت پذیرفته بود که آتش اختلافات داخلی یمن از هر زمان دیگر شعله ور تر شود به این صورت که عربستان به پشتوانه ی به رسمیت شناخته شدن علی عبد ربه منصوره‌ادی از سوی سازمان ملل، از او به عنوان رئیس‌جمهور مشروع و قانونی حمایت کند



« ما در قضایای یمن با دو نوع اختلاف رو در رو هستیم یکی اختلافات خود یمنی‌ها که اختلافاتی واقعی است و البته این اختلافات واقعی و ریشه دار قطعاً با نوع اختلافات اخیر امارات و عربستان تفاوت محتوایی و ماهوی دارد. این یعنی نباید دنبال راهبردی یا تاکتیکی بودن اختلافات بگردیم بلکه باید دنبال از کنترل خارج شدن درگیری‌ها و استیصال هم اماراتی‌ها و هم عربستانی‌ها باشیم!

درگیری با حکومت مرکزی و یکدیگر شدند. در خلاصه ترین شکل ممکن می‌توان به این نتیجه رسیده کرد که عربستان و متحدان منطقه‌ای در تلاش هستند تا یمن را به ۳ دهه قبل بازگردانند یعنی به پیش از ماه مه ۱۹۹۰. این روزها اگرچه، عربستان در مناقشات یمن، نقشی محوری به عهده دارد اما نام امارات متحده عربی بیشتر از هر زمان دیگر به گوش می‌رسد! به همین بهانه در گفت و گویی با قاسم محبعلی، دیپلمات سابق و تحلیلگر مسائل سیاسی، آخرین تحولات یمن را مورد ارزیابی قرار دادیم.

از این تحلیلگر مسائل خاورمیانه می‌پرسیم: با توجه به توضیحات ارائه شده از سوی شما، می‌توان نتیجه گرفت که مداخله‌های اماراتی‌ها و عربستانی‌ها عملاً به وخیم تر شدن اوضاع در یمن منتهی شد؟! محبعلی ضمن تأیید این مسئله می‌گوید: دخالت قدرتهای خارجی باعث شد تا قبایلی که سال‌ها هم اختلاف داشتند ضمن آن که مسلح می‌شدند و قدرت می‌گرفتند و آموزش دیده تر به جنگ یکدیگر می‌رفتند این فکر در ذهن آن‌ها جا بیفتد که به جدایی طلبی و تجزیه بیشتر از هر زمان دیگر فکر کنند مسئله‌ای که شاید خواست اولیه ی اماراتی‌ها نیز نبوده باشد.

محبعلی ضمن تأیید این مسئله می‌گوید: دخالت قدرتهای خارجی باعث شد تا قبایلی که سال‌ها هم اختلاف داشتند ضمن آن که مسلح می‌شدند و قدرت می‌گرفتند و آموزش دیده تر به جنگ یکدیگر می‌رفتند این فکر در ذهن آن‌ها جا بیفتد که به جدایی طلبی و تجزیه بیشتر از هر زمان دیگر فکر کنند مسئله‌ای که شاید خواست اولیه ی اماراتی‌ها نیز نبوده باشد. در کنار این مسائل اما طولانی شدن جنگ، بی نتیجه بودن کشمکش‌ها، عدم تمایل جامعه جهانی از جمله آمریکا برای ورود عملی به عرصه جنگ یا یمن در شرایطی که شکست دادن حوثی‌ها تقریباً غیرممکن می‌نماید در کنار کم اهمیت جلوه دادن این موضوع باعث شد تا وکم عربستان به پشتیبانی بین عربستان و امارات وسعت گیرد.

سؤال بعدی نتیجه گیری از مباحث است. با تحلیل‌های ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که این تئوری که: «جنگ آسان» وجود ندارد! چندان هم دور از ذهن نیست؟! بلکه اما در نظر داشته باشید که یمن در موقعیت حساس و مهمی قرار دارد و نیز این که عملاً اختلافات موجود بین حوثی‌ها، زیدی‌ها و عربستان، ریشه در تاریخ دارد. ما اگر به تاریخ دوران عثمانی هم بازگردیم خواهیم دید زیدی‌ها هیچگاه حاضر نشدند زیر بار حکومت عثمانی بروند. نکته ی دیگری که محبعلی مدنظر قرار می‌دهد وجود بازیگران متعددی است که در صحنه حاضر هستند. این تحلیلگر مسائل بین‌المللی می‌گوید:

آفتاب یزد - رضا بردستانی: اگر خواسته باشیم به تحولات این روزهای یمن ورود پیدا کنیم، طبیعتاً باید تاریخی ۲۰۰ ساله را ورق بزنیم و چه بسا بیشتر! اما آن چه در نگاهی خلاصه می‌تواند به عنوان مقدمه ی یک مصاحبه، پیش روی خوانندگان قرار گیرد آن است که؛ اولاً امارات متحده عربی هیچگونه مرز مشترک ایی یا زمینی با یمن ندارد پس اگر اختلافی بین این دو کشور وجود داشته، اختلافاتی تاریخی یا سیاسی است که صرفنظر از اختلافات کمرنگ تاریخی؛ در حال حاضر تنها علت حضور امارات در ناآرامی‌های یمن صرفاً به دلیل ائتلافی است که با دولت عربستان دارد.

و ثانیاً موضوع عربستان و اختلافات این کشور با یمن که هم مرزی و هم اختلافاتی تاریخی است می‌تواند تحلیلگران را به یک استراتژی چندلایه سوق دهد به گونه‌ای که خلاصه کردن همه ریشه‌های اختلافی در یک جمله تقریباً امری ناممکن جلوه کند. در نگاه استراتژیکی عربستان، جایگاه جغرافیایی یمن و نسوع روابط و تعامل آن در سال‌های گذشته، این کشور را از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی عربستان، در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل در تمامی بحران‌ها و تحولات یمن در دهه‌های گذشته، عربستان به عنوان بازیگری فعال و اثر گذار بوده است.

ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی عربستان سعودی و یمن به دوره امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد. آن گونه که تاریخ‌نگاران روایت کرده‌اند، در اواخر حیات امپراتوری عثمانی، شبه جزیره عربستان متشکل از تعداد زیادی شیخ نشین و سلطان نشین بود و تنها در عربستان جنوبی ۲۳ سلطان نشین وجود داشت! با سقوط امپراطوری عثمانی، ۵ شیخ نشین یا امیر نشین در شبه جزیره عربستان به نام‌های نجد، حجاز، شمار عسیر و یمن استقلال به دست آوردند.

بر سرزمین نجد که در مرکز شبه جزیره عربستان واقع شده خاندان آل سعود حکومت می‌کرد؛ حجاز هم تحت حکم شریف حسین بود. سرزمین شمار هم زیر سلطه حکومت خاندان ادریسی بود؛ در یمن نیز که در جنوب غربی شبه جزیره عربستان واقع شده امام یحیی حکمروایی داشت. از تمامی مسائل رخ داده در یمن که بگذریم دو مسئله عربستان را در حوزه یمن نگران می‌کند؛ یکی این که عربستان سعودی به علت ادعاهای ارضی خود و اختلافات مرزی که با یمن دارد نمی‌تواند پذیری کشور متحدی باشد که از نظر نظامی قوی تر از ریاض است.

مسئله ی مهم دیگری در حالی که عربستان سعودی هنوز فاقد قانون اساسی مدون و یک مجلس قانونگذاری می‌باشد و فعالیت احزاب سیاسی در آن کشور ممنوع است از آن نگران هستند که در آینده نزدیک، آزادی خواهی به داخل مرزها سرایت کند و منجر به فروپاشی نظام قبیله‌ای عربستان شود که در صورتی که این قبیله‌ای در یمن نیز یکی دیگری از اهرم‌های قدرت عربستان را از آن کشور می‌گیرد فلذا بسیار طبیعی به نظر می‌رسد که سعودی‌ها توان تحمل یک یمن متحد، مستقل و آزاد را در همسایگی خود نداشته باشند.

البته عربستان بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ بزرگترین نقش را در ایجاد آشوب و اغتشاش در یمن داشته و با تشدید اختلافات مرزی خود از طریق طرح ادعاهای ارضی و شمشاری و نیز بر هم زدن ثبات سیاسی در روند عملی وحدت یمن اختلا ایجاد کرده بود.

کشور یمن از سال ۲۰۱۱ گرفتار بحران سیاسی شده است، در این سال اعتراضات خیابانی علیه علی عبدالله صالح که در عمل به رئیس‌جمهور مادام‌العمر کشور تبدیل شده بود منجر به برکناری او از قدرت شد. ۲۰۱۱ گرفتار بحران سیاسی شده است. در این سال اعتراضات خیابانی علیه علی عبدالله صالح که در عمل به رئیس‌جمهور مادام‌العمر کشور تبدیل شده بود منجر به برکناری او از قدرت شد. در فوریه ۲۰۱۲ بعد ربه منصوره‌ادی در یک انتخابات تک نفره به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. اما انتخابات سیاسی ادامه یافته و دو گروه انصار اله (به رهبری حوثی‌ها) و نیز القاعده وارد

گفت و گوی آفتاب یزد با محبعلی دیپلمات سابق و تحلیلگر مسائل سیاسی، درباره تحولات یمن

«جنگ آسان» اصطلاح بی معنایی است!

آفتاب یزد - رضا بردستانی: اگر خواسته باشیم به تحولات این روزهای یمن ورود پیدا کنیم، طبیعتاً باید تاریخی ۲۰۰ ساله را ورق بزنیم و چه بسا بیشتر! اما آن چه در نگاهی خلاصه می‌تواند به عنوان مقدمه ی یک مصاحبه، پیش روی خوانندگان قرار گیرد آن است که؛ اولاً امارات متحده عربی هیچگونه مرز مشترک ایی یا زمینی با یمن ندارد پس اگر اختلافی بین این دو کشور وجود داشته، اختلافاتی تاریخی یا سیاسی است که صرفنظر از اختلافات کمرنگ تاریخی؛ در حال حاضر تنها علت حضور امارات در ناآرامی‌های یمن صرفاً به دلیل ائتلافی است که با دولت عربستان دارد.

و ثانیاً موضوع عربستان و اختلافات این کشور با یمن که هم مرزی و هم اختلافاتی تاریخی است می‌تواند تحلیلگران را به یک استراتژی چندلایه سوق دهد به گونه‌ای که خلاصه کردن همه ریشه‌های اختلافی در یک جمله تقریباً امری ناممکن جلوه کند. در نگاه استراتژیکی عربستان، جایگاه جغرافیایی یمن و نسوع روابط و تعامل آن در سال‌های گذشته، این کشور را از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی عربستان، در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل در تمامی بحران‌ها و تحولات یمن در دهه‌های گذشته، عربستان به عنوان بازیگری فعال و اثر گذار بوده است.

ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی عربستان سعودی و یمن به دوره امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد. آن گونه که تاریخ‌نگاران روایت کرده‌اند، در اواخر حیات امپراتوری عثمانی، شبه جزیره عربستان متشکل از تعداد زیادی شیخ نشین و سلطان نشین بود و تنها در عربستان جنوبی ۲۳ سلطان نشین وجود داشت! با سقوط امپراطوری عثمانی، ۵ شیخ نشین یا امیر نشین در شبه جزیره عربستان به نام‌های نجد، حجاز، شمار عسیر و یمن استقلال به دست آوردند.

بر سرزمین نجد که در مرکز شبه جزیره عربستان واقع شده خاندان آل سعود حکومت می‌کرد؛ حجاز هم تحت حکم شریف حسین بود. سرزمین شمار هم زیر سلطه حکومت خاندان ادریسی بود؛ در یمن نیز که در جنوب غربی شبه جزیره عربستان واقع شده امام یحیی حکمروایی داشت. از تمامی مسائل رخ داده در یمن که بگذریم دو مسئله عربستان را در حوزه یمن نگران می‌کند؛ یکی این که عربستان سعودی به علت ادعاهای ارضی خود و اختلافات مرزی که با یمن دارد نمی‌تواند پذیری کشور متحدی باشد که از نظر نظامی قوی تر از ریاض است.

مسئله ی مهم دیگری در حالی که عربستان سعودی هنوز فاقد قانون اساسی مدون و یک مجلس قانونگذاری می‌باشد و فعالیت احزاب سیاسی در آن کشور ممنوع است از آن نگران هستند که در آینده نزدیک، آزادی خواهی به داخل مرزها سرایت کند و منجر به فروپاشی نظام قبیله‌ای عربستان شود که در صورتی که این قبیله‌ای در یمن نیز یکی دیگری از اهرم‌های قدرت عربستان را از آن کشور می‌گیرد فلذا بسیار طبیعی به نظر می‌رسد که سعودی‌ها توان تحمل یک یمن متحد، مستقل و آزاد را در همسایگی خود نداشته باشند.



تاریخ نگار سیاسی طرف تا کنون در مواجه با دروغ‌ها و تخریب‌های سازمان یافته به سکوت یا دفاع حداقلی اکتفا کرده‌است. او جز عرت برای ایران اسلامی نمی‌خواهد. کاری نکند مجبور شود به جای دفاع صرف، به مواج داخلی تحقق سیاست خارج عزت‌مند هم حمله کند. بداند او در هنگام حمله چندان هم طرف نیست.



#ریشه طلب نماینده دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا گفته بودی خواهد برای دین پدر برگ خود به کرانه باختری سفر کند. پس از بیکری و کسب موافقت برای سفر به این منطقه گفت که به دلیل شرایط تحقیر آمیز تانیاهاو از سفر خود منصرف شده است. ریشه با رشادت خود، تحقیر را با تحقیر پاسخ داد.



ساره هشتند مربع عا شما موجب شد حجم زیادی از کلابردارک‌های ارزش‌افزوده کاهش پیدا کند و مجموع درآمد خدمات ارزش افزوده ٪۲۰ کاهش یابد. بابت این همه هتاکت، یک کد دنیا مطنوا! لطفا باره ۲۰۰۰ را به دوسان خود معرفی کنید تا #همه‌باهم جلوی دردی از جیب مردم را بگیریم!